

تحلیل شاخص‌های زمینه‌گرایی در آثار معماری سنتی ایران (نمونه مطالعاتی: خانه صادقی اردبیل)^۱

کوروش حاجی زاده علمداری

دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایرج اعتصام^۲

استاد تمام گروه معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

سید مصطفی مختاباد امرئی

استاد تمام گروه معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷

چکیده

همواره و در تمامی طول ادوار و در تمام فرهنگ‌ها، کالبد بناها و فلسفه وجودی آنها جلوه‌گاه ارزشهای معنوی و فرهنگی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که معماری ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. زمینه‌گرایی رویکردی است که پیوند بنا با زمینه آن را نمایان می‌سازد که این تحقیق با هدف بررسی میزان تطبیق شاخص‌های زمینه‌گرایی با خصوصیات کالبدی-فضایی خانه صادقی اردبیل، می‌پردازد تا شاید بتواند در راستای شناسایی و ارائه شاخصه‌های کالبدی و کمک به بهسازی سیمای شهری برگرفته از منطقه مورد مطالعه، گامی هر چند کوچک بردارد. تحقیق حاضر در ۳ مرحله انجام پذیرفت که شامل: ۱- تدوین چارچوبی جامع برای تحلیل شاخص‌های زمینه‌گرایی بر مبنای پژوهش‌های انجام یافته در این حوزه ۲- تطبیق این شاخص‌ها با خصوصیات معماری ایرانی بر مبنای نظریات صاحب‌نظران حوزه معماری ایرانی ۳- تحلیل کالبدی فضایی خانه صادقی و بررسی انطباق خصوصیات آن با چارچوب‌های زمینه‌گرایی. تحقیق حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع کیفی است که در پروسه پیشبرد پژوهش، از روش نمونه‌موردی (تک نمونه) و در جهت گردآوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شد؛ به گونه‌ای که در بخش اول تحقیق (چارچوب نظری تحقیق) از مفهوم به مصداق و در بخش دوم که شامل بررسی نمونه موردی است، از مصداق به مفهوم پرداخته شد. یافته‌های تحقیق، حاکی از این نکته می‌باشد که با توجه به مطالعات انجام یافته، متغیرهای متعددی در شکل‌گیری خانه دوره قاجار در شهر اردبیل مورد توجه قرار گرفته‌اند که بنظر همگی برگرفته از ارزشها، باورها و بن‌مایه‌های ساختاری جامعه انسانی و جغرافیایی آن دوران بوده است؛ طوریکه می‌توان مدعی شد که حداقل، مسکن قاجاری شهر اردبیل، واجد ارزشهای زمینه‌گراست؛ پس می‌توان نظریه انحطاط و غالبیت تفکر مدرن در شکل‌گیری معماری دوره قاجار را که به نظر غیر صحیح و یکجانبه می‌آید را رد کرد.

کلمات کلیدی: زمینه‌گرایی، شاخص‌های معماری زمینه‌گرا، معماری سنتی ایران، خانه صادقی اردبیل

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری، کوروش حاجی زاده با عنوان نقش الهام از زمینه در بهبود فرآیند طراحی معماری است که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به راهنمایی جناب آقای دکتر ایرج اعتصام و مشاوره جناب آقای دکتر سید مصطفی مختاباد امرئی در حال انجام است.

۲- (نویسنده مسئول) i.etessam@srbiau.ac.ir.com

مقدمه

معماری همواره و بطور ناخودآگاه برخاسته از بطن جوامع انسانی و محیط جغرافیایی بوده است؛ این موضوع همواره در تمامی فرهنگ‌ها و مناطق مختلف دنیا با کمیت و کیفیتی متفاوت، قابل درک و استنباط بوده است؛ بدوی‌ترین نوع این نوع معماری را می‌توان در سکونتگاه‌های انسان اولیه یافت نمود که در آن آدمی همواره در تلاش بوده است تا با بهره‌گیری از امکانات و مصالح موجود، بتواند سرپناهی تهیه کند که پاسخگوی نیازهای فیزیکی و روانی‌اش باشد. با توجه به تنوع موجود در اقلیم و شرایط جغرافیایی، همینطور چندگانگی رفتار، افکار و نیازهای رنگارنگ بشر در تمام ادوار تاریخ، شکل‌گیری ابنیه معماری در تمام فرهنگ‌ها و مختصات جغرافیایی، بطور شگفت‌انگیز و شاید بتوان گفت فطری، برخاسته از ویژگی‌های محیطی و انسانی هر منطقه بوده است. نکته‌ای که لوکوربوزیه^۱ در کتاب «چگونه به مسائل شهرسازی بیندیشیم»، بر اهمیت این موضوع در دوره معاصر صحنه گذاشته و نحوه شکل‌گیری رابطه‌ای صحیح بین معماری و محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان را موضوعی مهم و کلیدی بیان می‌دارد (لوکوربوزیه، ۱۳۵۴). لنگ^۲ نیز در این باره چنین می‌نگارد: «معماری، همواره در محیط شکل می‌گیرد و محیط دارای ویژگی‌های جغرافیایی، ساخته شده و فرهنگی است که با هم رابطه‌ای درونی دارند» (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۱۷)؛ اما علیرغم اهمیت و ضرورت این موضوع، متأسفانه از دوره‌ای به بعد و همراه با شکوفایی صنعت و تکنولوژی، شکل‌گیری ابنیه معماری‌ای که در مقابل بسیاری از خواسته‌های انسانی و محیطی پاسخده باشد، بسیار کم‌رنگ شد؛ به نحوی که بعد از انقلاب صنعتی و روی کار آمدن معماری مدرن در بسیاری از شهرها، ارتباط صحیح میان میراث معماری پیشینیان و نیازهای امروز و از طرفی حفظ هویت بومی و ارزش‌های فرهنگی با چالش‌های گوناگونی مواجه شد به گونه‌ای که در دوره مدرن، تأکید بر ابتکار و نفی گذشته باعث از بین رفتن تداوم بصری محیط کالبدی گردید. این رویه در اکثر مناطق دنیا به سرعت گسترش یافت. آموس راپاپورت^۳ معمار و نظریه‌پرداز دوره معاصر، در ارتباط با موضوع تاثیرگذاری مصالح مدرن بر معماری و برهم زدن تعادل بین رابطه شکل‌گیری فرم بنا و پارامترهای محیطی و انسانی، در کتاب خود با عنوان «انسان‌شناسی مسکن» چنین می‌نویسد: «هنگامی که سازگاری با سایت صورت گرفت و فرم جوابگوی نیروهای اقلیمی شد، هنوز برخی مسائل کلی باقی مانده است؛ از جمله مسائل مربوط به شیوه ساخت. قابلیت دسترسی به مصالح و انتخاب آن و نیز تکنیک‌های ساختمانی بر فرم بنا تاثیر زیادی داشته و آن را تغییر خواهد داد» (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۵۱). آشفتگی بصری و به هم ریختگی کالبدی که متأثر از روند بی‌توجهی سازندگان به مسائل انسان‌شناختی، مباحث محیطی - جغرافیایی و همینطور گرایش صرف و بدون چارچوب به کاربرد مصالح متنوع بود، به دغدغه‌ای برای معماران و شهرسازان مبدل گشت؛ به طوری که آن‌ها در جهت یافتن پاسخ مناسب در راستای بهبود محتوای معماری و مناسب‌سازی کالبد و محیط شهری، دست به تجربه‌های مختلفی زدند و مطالعات گسترده‌ای نیز در این زمینه به انجام رسید. شاید بتوان پیدایش رویکرد «زمینه‌گرایی» در معماری را پاسخی مناسب و درخور به شرایط پیش آمده قلمداد نمود. توماس شوماخر^۴ در سال ۱۹۷۱ واژه زمینه‌گرایی را نخستین بار در طی مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌گرایی: آرمان‌های شهری و دگردیسی‌ها» بکار

گرفت. شوماخر از واژه زمینه‌گرایی در مورد نظریات رو^۶ و کوتر^۷ در مقاله «شهر چهل تکه» بهره جست. او در این مقاله، از زمینه‌گرایی به عنوان حائل و حد وسط که مرتبط با بستر و محیط است یاد می‌کند و معتقد است که رسالت زمینه‌گرایی، ایجاد ارتباط بین دو مفهوم متضاد است (شوماخر، ۱۹۷۰: ۳۵۹). زمینه‌گرایی دیدگاهی است که به ویژگی‌های خاص یک مکان و به کارگیری آن‌ها در طراحی معاصر توجه دارد. هر بنایی که ساخته می‌شود، خود به عنوان بخشی از زمینه مطرح می‌گردد و به عنوان بخشی از زمینه برای بنای بعد از خود زمینه‌سازی می‌کند. تأیید رسالت و هدف اصلی رویکرد زمینه‌گرایی در نوشته ادوارد وایت^۸ به خوبی قابل درک است؛ او در این باره چنین می‌نویسد: «شناخت کلیه عوامل محیطی، جغرافیایی و انسانی برای پی‌ریزی بنیان‌های تأثیر گذار بر کالبد ضروریست» (وایت، ۱۳۸۵: ۹). در نهایت آنچه که طراح باید در فرآیند طراحی بایستی مورد توجه قرار دهد، شناخت دقیق و درکی عمیق از زمینه و محیط است، تا در نتیجه محصول نهایی، جزئی کوچک از طبیعت پیرامون به حساب آید. با توجه به مسائل و دگرگونی‌های حاصل از انقلاب صنعتی (بالأخص پیدایش مصالح نو، از بین رفتن تداوم بصری محیط کالبدی و تأثیرات منفی دیگر بر روند شکل‌گیری معماری در نقاط مختلف دنیا) معماری ایران نیز همسو با روند مدرنیسم و تغییرات حاصله، دستخوش تحولاتی اساسی گردید؛ به گونه‌ای که برخی از تاریخ‌نگاران و پژوهشگران معماری ایرانی، این دوره از تاریخ معماری ایران را که مصادف با دوره حکمرانی سلسله قاجار است، شروع نابسامانی و انحراف از اصول فرهنگ و معماری ایرانی دانسته‌اند. مطابق این دیدگاه، اعتقاد بر آن است که معماری معاصر ایران از زمان قاجار به دلیل نفوذ فرهنگ و معماری غربی از «روند پیوسته» خویش دور شده؛ و توجه به فرهنگ بومی، اقلیم و بسیاری از «عوامل زمینه‌ای» در شکل‌گیری بناها رنگ باخته است. از این رو در این پژوهش با هدف واکاوی دقیق‌تر مسائل یاد شده، شاخص‌های زمینه‌گرایی در بنای «خانه صادقی اردبیل» که از بناهای شاخص این دوره محسوب می‌شود مورد تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس، پرسش‌های اصلی زیر در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته و در ادامه سعی شده است بدان‌ها پاسخ گفته شود:

۱- شاخص‌های معماری زمینه‌گرا کدامند؟

۲- نحوه ظهور شاخص‌های زمینه‌گرایانه در مسکن قاجاری شهر اردبیل به چه صورت بوده است؟

در ادامه و در راستای تحقق هدف تحقیق و همین‌طور پاسخگویی به سوالات مطرح شده، ابتدا و در گام نخست با بکارگیری ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و استنادی به تبیین شاخصه‌های زمینه‌گرایی و در گام بعدی به بررسی زمینه‌گرایی در معماری سنتی ایران پرداخته شد و نهایتاً با جمع‌شدن شاخص‌های زمینه‌گرایی به ارزیابی نمونه مورد پژوهش در محدوده مکانی (خانه صادقی اردبیل) و زمانی (دوره قاجار) تعیین شده در تحقیق حاضر پرداخته شد. حال در راستای تدوین چارچوب نظری تحقیق، لزوم یافتن معنای زمینه و زمینه‌گرایی، تبیین رابطه زمینه و معماری و همچنین پرداختن به ابعاد زمینه‌گرایی کاملاً محسوس است. ابتدا رسیدن به درک و مفهومی کلی از واژه زمینه ضروریست، زیرا که کلمه زمینه در عین سادگی، بسیار پیچیده و دشوار است؛ ساده است زیرا که هر فردی از این واژه به معنایی می‌رسد و پیچیده و دشوار است، به این دلیل که هر چه بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شود نامفهوم

و سخت تر می‌شود به گونه ای که هر بار، ابعاد جدیدی در این حوزه قابل درک است. با در نظر گرفتن پارادایم دوگانه برای تحقیق، این مطالعه از نوع «کیفی» (غیر عددی) بوده و به صورت توصیفی انجام می‌گیرد؛ در این پژوهش برای پیشبرد اهداف و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده، در بخش‌های نخست از روش تحلیلی-توصیفی و اسنادی برای استخراج شاخص‌های زمینه‌گرایی بهره گرفته شد و در ادامه بر مبنای روش نمونه موردی (تک موردی) شاخص‌های زمینه‌گرایی در مسکن قاجاری اردبیل مورد مذاقه قرار گرفت. در پروسه پیشبرد تحقیق حاضر، از روش تطبیقی رفت و برگشتی بین قالب (صورت) و فلسفه بهره گرفته شد؛ به گونه ای که در بخش اول تحقیق (چارچوب نظری تحقیق) از «مفهوم به مصداق» و در بخش دوم که شامل بررسی نمونه موردی است، از «مصداق به مفهوم» پرداخته شد.

چارچوب نظری

زمینه و زمینه‌گرایی از منظر واژه‌شناسی

واژه «context» از کلمه لاتین «contextus» ریشه گرفته و فعل آن «contextere» به معنای «در هم بافتن» و «در هم تافتن» است. در فرهنگ لغت وِستر^۹، از این مفهوم به عنوان شرایط درهم‌تنیده‌ای یاد شده است که در آن چیزی وجود دارد یا رخ می‌دهد. در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷) نیز واژه «زمینه» به معنی طرح، متن، پیکره، گرده، پشتوانه و مایه اعتبار آمده است. تحلیل واژه‌شناختی کانتکست و زمینه نشان می‌دهد این کلمه با مفاهیمی چون «ارتباط» و «اتصال» هم‌نشینی پیوسته‌ای دارد.

زمینه می‌تواند به عنوان کلیت بهم‌پیوسته‌ای تعریف شود که از اجزای متعددی شکل می‌گیرد؛ درست مثل کلمات یک جمله که در ترکیب با هم، یک جمله معنی‌دار را تشکیل می‌دهند (سانگوی، ۲۰۱۷: ۷۶). در بستر شهر، به گونه‌ای قیاسی، می‌توان context را اتصال و هم‌نشینی میان بناها خواند (پورتر، ۲۰۰۵: ۳۱). واژه کانتکست به عنوان پس‌زمینه، محیط و چارچوب، از طریق «رویدادها» و «شرایط» به تولید منجر می‌شود (چیزگن، ۲۰۱۲).

زمینه‌گرایی در معماری

زمینه‌گرایی، رویکردی رایج در شهرسازی و هم‌منظور معماری است که بستر و زمینه طراحی را همچون الگویی برای طراحی کارآمد می‌پندارد که هدف غایی آن ایجاد ارتباط بصری منطقی و معنایی بین معماری با زمینه است. در خصوص رویکرد زمینه‌گرایی و اهداف آن، نظرات متفاوتی از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه ایراد شده است؛ از این رو در این بخش برای دستیابی به چارچوب جامع‌تر در ارتباط با معماری زمینه‌گرا، دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفت. «برنت سی. برولین»، معمار و متفکر معماری، زمینه‌گرایی را تمایلی برای ایجاد ارتباط میان ساختمان و محیط پیرامون می‌داند که در طی زمان شکلی واحد به خود گرفته است (۱۹۸۰: ۱۵). بیل هیلیر^{۱۰}، وجهی دیگر از زمینه‌گرایی را مورد بحث قرار می‌دهد و معتقد است که یکپارچه سازی عناصر کالبدی و تشکیل یک کل واحد، راه‌حلی برای درک بهتر کالبد و فضاست (هیلیر، ۱۹۹۶). چارلز جکنز^{۱۱} نیز در این باره چنین می‌نگارد: «رویکرد و رسالت اصلی معماری زمینه‌گرا دریافت ارزش‌های معنایی و کالبدی زمینه و تداوم بخشیدن آن

در معماری آتی ابنیه است؛ به عبارتی هماهنگ سازی ساختمانهای جدید با معماری سنتی و مقیاس شهری نگاه اصلی نظریه زمینه‌گرایی در معماریست» (جنکز، ۲۰۰۲: ۱۳۵)؛ استیون‌هال^{۱۲} معتقد است که معماری مسئولیت توجه ویژه و موشکافانه روی زمینه را دارد؛ زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهادات مناسب را به عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم آورد. زمینه برای وی تنها بستر ساختمانی نیست، بلکه مفاهیم طراحی را نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر، از نظر هال، زمینه یک منبع اساسی برای طراحی است. او بر این باور است که «ما همیشه با یک زمینه و موقعیت جدید روبرو هستیم و باید طبق شرایط موجود، فرایند طراحی را انجام دهیم» (یورقانچی اوغلو، ۲۰۰۴: ۶۸). فرانک گهری^{۱۳} معمار مشهور آمریکایی نیز هم نظر با هال در این رابطه است. به عقیده فرانک گهری، «معماری باید از زمان و مکان خود صحبت کند، اما با توانایی بی‌زمان بودن» (سانگوی، ۲۰۱۷: ۷۶). الکساندر^{۱۴} نیز، تلاش برای رسیدن به ارتباطی مقبول و سازگار بین فرم و زمینه را هدف اصلی معماری می‌داند (الکساندر، ۱۳۸۹). چنانکه در سطور قبل اشاره گردید، اکثر معماران و صاحب‌نظران به موضوع چگونگی ارتباط معماری و بستر طرح، نگاهی مشترک و همسو دارند. آنچه که از مطالعه نظرات متخصصین حوزه زمینه‌گرایی می‌توان استنباط کرد، عبارت است از اینکه عناصر کالبدی شهرها بصورت انفرادی و منفصل از هم توانایی پردازش کالبد و سیمایی واحد را ندارند، بلکه به بستر و بافت محیط پیرامونی خود وابسته‌اند. از این رو، نمی‌توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده‌ها بود و به جوهر پدیده‌ها بدون توجه به زمان و زمینه‌ای که در آن قرار دارند-نگریست. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آنها نیز به این عوامل وابسته است (استوکولس و آلمن، ۱۹۸۷: ۱۵-۱۸). دیدگاه مزبور ابتدا به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه داشت. اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه خود را به وجوه اجتماعی - فرهنگی جامعه گسترش داد. در این دیدگاه ایده‌ها و عناصر شهرهای گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. بنابراین معمار زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۵). از این رو در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکانی نظر دارد، به صراحت تداوم ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است. با این حال، ایجاد ارزش‌های جدید (تحول) را نفی نمی‌کند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۵).

جدول ۱- زمینه‌گرایی از منظر صاحب‌نظران

صاحب نظر	دیدگاه
هیلبیر	نظریه پرداز یکپارچه سازی عناصر کالبدی و تشکیل یک کل واحد، راه حلی برای درک بهتر کالبد و فضا است
وتزل ^{۱۵}	نظریه پرداز قرار دادن آگاهانه یک ساختمان در جامعه موجود
بابلو بونتو ^{۱۶}	نظریه پرداز لزوم پرداختن به معماری زمینه‌گرا در مقیاس وسیع
توماس و گارتنام ^{۱۷}	نظریه پرداز توجه به برقراری رابطه ساختمان با بستر
ارسکین ^{۱۸}	نظریه پرداز و معمار نگهداری عناصر معماری گذشته، برقراری رابطه بین ساختارهای نو و بستر آن، حفظ هویت فرهنگی ساکنین
کالین رو-فرد کوتر	نظریه پرداز کانسپت کلاژ شهری با مفهوم اختلاط عناصر شهری در یک کالبد واحد
دیوید اسمیت کاپن ^{۱۹}	نظریه پرداز رابطه بنا با بستر پیرامون
آنتونی سسی	نظریه پرداز پرداختن به اجزا زمینه و توازن و وحدت بین اجزا

چارلز جنکز	نظریه پرداز	رویکرد و رسالت اصلی معماری زمینه گرا، دریافت ارزشها و مفاهیم معنایی و کالبدی زمینه و تداوم بخشیدن آن در معماری آتی ابنیه می‌باشد
سایمون بل	شهرساز و نظریه پرداز	سه ویژگی که عامل درک زمینه خواهد شد: بصری(شکل و فرم)، ادراک(معنا) و تجربی(عملکرد و اکولوژیک)
لوکوربوزیه	معمار و نظریه پرداز	تعامل و ارتباط بین ساختمانها
برنت سی برولین	معمار و نظریه پرداز	التقاط و همسویی معماری و شهر سازی در بستر مشخص
آموس راپاپورت	معمار و نظریه پرداز	- نگرش فرهنگی - اجتماعی به محیط، با هدف شناخت اجتماع، فرهنگ و مردم - اعتقاد به تاثیر آب و هوا، توپوگرافی، اقتصاد، سازمان‌های اجتماعی و ارزش‌ها و باورهای فرهنگی مردم - تاکید بر شناخت معنای زمینه و تاثیر جنبه‌های پنهان کارکرد و فعالیت بر تصویر ذهنی مخاطب
لوبی کان ^{۲۱}	معمار و نظریه پرداز	ارتباط ساختمانها به عنوان بخشی جامع از فضا
چلز ویلارد مور ^{۲۲}	نظریه پرداز	وجوه مشترک بین برخی عناصر(اشیا یا ساختمان)
پارتریک گلدس	جامعه شناس و برنامه ریز	لزوم توجه به حیات اقتصادی، جغرافیایی، زمین شناسی و روح و جوهره تاریخی شهر
ادموند بیکن	معمار و برنامه ریز شهری	کیفیتی معین از فضا که منتقل کننده تجارب پیشین به معماری آینده است
منبع: هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۷؛ لنگ، ۱۳۸۶؛ مریل. سی گینز، ۱۹۸۰؛ برولین، ۱۹۸۰ و تحلیل‌های پژوهشی نگارندگان		

رابطه زمینه و معماری

هگل^{۲۳}، هردر^{۲۴} و آرنولد توین بی^{۲۵} به رابطه میان انسان و محیط اش اشاره و اهمیت محیط طبیعی اش را باز شناخته‌اند؛ لکن توامان بر توانمندی انسانی به پاسخگویی و شکل دادن به جهان تاکید کرده‌اند. واضح است که انسان به عنوان موجودی زیست شناختی بخشی از طبیعت است و مکان انسان ساخت، فهم او از محیط اش را نمایان و تکمیل می‌سازد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷)؛ طوریکه زمینه‌گرایی فراتر از یکپارچگی و ارتباط بصری میان شکل‌ها و رنگ‌هاست. گروتز^{۲۶} معتقد است: بین هر موجود زنده و پیرامون او روابطی وجود دارد که مادرزادی شکل نگرفته‌اند. این روابط بیشتر اکتسابی هستند و تنها در برخی موارد واکنش انسان غریزی است؛ به این معنی که انسان بایستی در ارتباط با محیط خود مفهوم اشیا را یاد بگیرد، جایگاه هر چیز کجاست و اینکه او در مقابل هر امری چه رفتاری باید داشته باشد (گروتز، ۱۹۸۷). معماری نه تنها در واقعیت متصل به محیط است بلکه در دنیای خاطرات ما نیز چنین است. به این ترتیب روشن می‌شود که نقش محیط در ادراک معماری تا چه حد موثر است و چرا در نظر داشتن محیط هنگام طرح یک ساختمان اجتناب ناپذیر است. ماریو بوت^{۲۷} ارتباط بین یک ساختمان با محیط و بستر پیرامون خود را چنین شرح می‌دهد: هر اثر معماری دارای محیط ویژه مربوط به خود است، به بیانی ساده‌تر پیرامون این محیط ویژه را می‌توان بستر ساختمان نامید. ارتباط بین معماری و بستر آن ارتباطی نقش گرفته از یک تاثیر پذیری متقابل است. می‌توان گفت که این بستر و معماری آن در تماس دو جانبه و همیشگی هستند و همواره با هم در ارتباط اند (گروتز، ۱۳۸۳). البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که نباید محیطی که یک ساختمان را در بر گرفته و بر ادراک ما اثر می‌گذارد را تنها به عنوان یک محرک بصری تلقی کنیم. در واقع محیط تنها یک زمینه بصری برای ساختمان‌ها نیست بلکه محیط می‌تواند اثر مستقیمی بر روان انسان داشته باشد (همان: ۳۷). رابطه میان معماری و زمینه، نیازمند دستیابی به ایده‌های منتخبی است که در عمر یک مکان نهفته است. چنین ایده‌هایی، اگرچه به نظر کهن است، اما خوانا بوده و کیفیت تداوم را در زمینه تضمین می‌کنند. به این ترتیب به دو گونه‌ی زمینه می‌توان از منظری دیگر، یعنی واژه‌ی (مکان و زمان) نیز نگرست (شایان، ۱۳۸۷: ۸۴).

ابعاد زمینه‌گرایی

نظرات محققین و معماران در رابطه با ابعاد زمینه‌گرایی دارای نقاط اشتراک و افتراق مختلفی است، که در این بخش به بررسی برخی از این نظرات پرداخته شد. مریل سی. گینز^{۲۸} ابعاد زمینه‌گرایی را در سه بخش زمینه‌گرایی فرمی - زمینه‌گرایی فعالیتی و زمینه‌گرایی اقلیمی معرفی می‌کند او در ادامه به ضرورت مطالعه بیشتر «زمینه‌گرایی فعالیتی» تأکید نموده و این مسئله را یادآور می‌شود که الگوی فعالیتی، اطلاعات فنی و گسترده‌تری را در اغلب موارد - از جمله دو گروه دیگر - به مخاطب انتقال خواهد داد (گینز، ۱۹۸۰: ۲۱). استیون هارت^{۲۹}، ابعاد زمینه‌گرایی را در دو بعد زمینه مصنوع و زمینه فرهنگی بررسی و مطرح کرده است؛ او زمینه‌گرایی را جهشی به سمت شکل‌گیری معماری و شهرسازی برگرفته از محیط پیرامون می‌داند (هارت، ۱۹۸۷). رو و کوتر ابعاد فرهنگی - اجتماعی و تاریخی شهرها را در شکل‌گیری کالبد، بسیار موثر می‌دانند (رو و کوتر، ۱۹۷۸). سایمون بل نیز، زمینه‌گرایی را در سه بعد زمینه‌گرایی فرمی و بصری - ادراکی و معنایی - و زمینه‌گرایی تجربی و عملکردی تقسیم می‌دارد (بل، ۱۳۸۲). پاتریک گدس^{۳۰} نیز جنبه تاریخی زمینه را تأثیرگذار می‌داند و شکل‌گیری کالبدی مناسب و پاسخده را در گرو تبعیت از برداشت‌های تاریخی می‌پندارد (گدس، ۱۹۶۸: ۶۶). در نهایت، بر اساس مطالعات انجام‌یافته و تجمیع آراء صاحب‌نظران حوزه زمینه‌گرایی و بررسی نقاط اشتراک و افتراق آنها، می‌توان ابعاد زمینه‌گرایی را در دو شاخه اصلی و عمده، شامل ۱- کیفیات «مستقیم» معماری و شهرسازی (الف: الگوها و عناصر معماری سنتی و تاریخی؛ ب: کیفیت‌های مادی، کالبدی و فضایی در زمینه موجود) و ۲- کیفیات «غیرمعماران» یا در ارتباط «غیرمستقیم» با معماری و شهرسازی (ج: شرایط طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی؛ د: کیفیت‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی) دسته‌بندی نمود. علاوه بر این تقسیم‌بندی کلی ارائه شده، هر یک از بخش‌های ذکر شده دارای زیرمؤلفه‌هایی است که در نمودار زیر به تشریح کامل آنها پرداخته شده است. لازم به ذکر است با وجود تفکیک کامل این بخش‌ها، برخی از این زیرمؤلفه‌ها به دلیل وجود اشتراکات، می‌توانند همزمان در بخش‌های دیگر نیز جای‌گذاری شوند.



نمودار ۱- دسته‌بندی ابعاد تحلیلی رویکرد زمینه‌گرایی از دیدگاه صاحب‌نظران و استخراج زیرمؤلفه‌ها:

منبع: نگارندگان

پس از شناسایی و تبیین شاخصه‌های کلی زمینه‌گرایی، در بخش بعدی نوشتار به واکاوی و بررسی این شاخصه‌ها در

ابنیه سنتی ایران پرداخته شد که این شاخصه‌ها توسط معماران و پژوهشگران این حوزه در تحقیقات متعددی نقل شده‌اند.

جلوه‌های زمینه‌گرایی در خصوصیات معماری سنتی ایران:

سرزمین بزرگ ایران از معدود کشورهای جهان است که در طول تاریخ حیات خود ارائه دهنده‌ی یک نوع فرهنگ معماری خاص به جهان معماری بوده است. ویژگی‌های فرهنگی و جغرافیایی این سرزمین باعث گردیده تا تنوع و گونه‌گونی زیادی را در معماری آن شاهد باشیم؛ به طوری که حتی در یک منطقه جغرافیایی محدود نیز این تنوع و گوناگونی در معماری نقاط مختلف به چشم می‌خورد (معماریان، ۱۳۸۷) و می‌تواند به نوعی نمایانگر تبعیت معماری سنتی ایران از خصوصیات زمینه‌ای خود قلمداد گردد.

شاخصه‌ها و ویژگی‌های «معماری ایرانی - اسلامی» از دیدگاه صاحب‌نظران مختلفی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است که تحلیل آن‌ها نمایانگر برخی از ارزش‌های مورد نظر در «رویکرد زمینه‌گرایی» است.

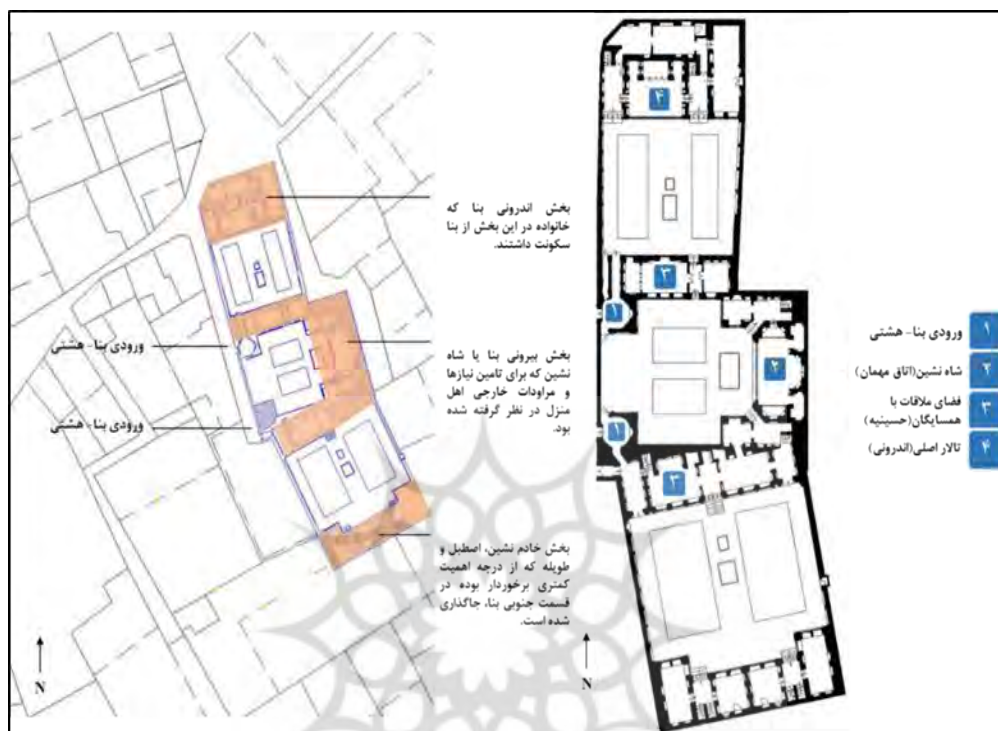
نادر اردلان در تحلیل‌های خود از معماری ایرانی و اسلامی به اصول هفت‌گانه‌ی «بینش نمادین» (بیان و برانگیختن حس عمیق معانی ازلی)، «انطباق محیطی» (رابطه هماهنگ با طبیعت و زمینه اقلیمی)، «الگوی مثالی باغ بهشت» (صورت اصلی حس مکان در معماری)، «نظام فضایی مثبت» (درون‌گرایی و پیوند سلسله‌مراتبی)، «مکمل بودن» (کیمیای رنگ، ماده و خط)، «مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی» و «نوآوری در فنون ساختمانی» اشاره کرده است (اردلان؛ نقل در نقره‌کار، حمزه‌نژاد و رنجبرکرمانی ۱۳۸۷). استاد محمدکریم پیرنیا (۱۳۸۰) در تدوین اصول پنج‌گانه‌ی مشهور خود در معماری ایرانی به مواردی چون «درون‌گرایی»، «مردم‌واری» (توجه به مقیاس انسانی)، «خودبسندگی» (اتکا به فناوری و مصالح بومی)، «پرهیز از بیهودگی» و «نیارش» (سامانه سازه‌ای) توجه نموده است. نقره‌کار، حمزه‌نژاد و رنجبرکرمانی (۱۳۸۷) مهم‌ترین اصول معماری ایرانی - اسلامی را در هفت بند شامل «عدالت محوری در خلق آثار»، «سیر از کثرت به وحدت» (محوربندی، مرکزگرایی، سلسله مراتب فضایی، استقلال و وحدت توأم فضاها، سیالیت، تقدم درون‌گرایی، سیر از هندسه آفاقی شهری به هندسه انفسی معماری)، «سیر از ظاهر به باطن» (انتزاع‌گرایی، نشانه‌گرایی، برتری فضای خالی، سامان‌بندی چشم‌انداز، تعامل مکمل با طبیعت)، «رده‌بندی اهداف کمی و کیفی» (اهداف ساختاری و فنی، کارکردی، زیباشناسانه، هویت‌ساز) و «لزوم تهذیب نفس معماران و شهرسازان» دسته‌بندی نموده است. داراب دیبا (۱۳۷۸) در مقاله خود به بررسی «مفاهیم بنیادی معماری ایران» پرداخته و اصول شاخصی همچون «درون‌گرایی» (با ریشه اجتماعی - فلسفی)، «مرکزیت» (فضای مرکزی و حیاط تنظیم‌کننده تمام فعالیت‌های انسان)، «انعکاس» (شکل‌گیری منظم بصری از طریق انعکاس و اتصال آسمان و زمین)، «پیوند معماری و طبیعت» (همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت)، «هندسه» (بر پایه همدلی و ارتباط بهره‌مند)، «شفافیت و تداوم»، «راز و ابهام»، «تعادل موزون / توازن حساس» و غیره اشاره نموده است. لطیف ابوالقاسمی (۱۳۷۴) نیز در تشریح اصول معماری ایرانی از دیدگاه خود به مشخصه‌هایی همچون «نیارش» (ساختار، ایستایی، طراحی پوشش‌ها)، «توافق اقلیمی و استقرار»، «حرمت و محرمیت»، «بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد»،

«استمرار»، «توسل به هندسه»، «تأثر شدید از فرهنگ و فلسفه و مباحث معنوی و فطری»، «منطق‌سالاری» و غیره اشاره نموده است. در جدول زیر شاخص‌های معماری ایرانی- اسلامی از منظر صاحب‌نظران مختلف و نیز خصوصیات موجد ارزش‌های زمینه‌گرایانه از دیدگاه آن‌ها دسته‌بندی و ارائه گردیده است:

جدول ۲- شاخص‌های زمینه ای معماری سنتی ایران از منظر صاحب‌نظران

صاحب نظر	خصوصیات اصلی معماری	خصوصیات زمینه‌گرا
داراب دیبا	<ul style="list-style-type: none"> «توجه به درون» (که نشأت گرفته از باورهای اعتقادی، مذهبی و هم‌منظور اقلیمی است) «مرکزگرایی» (شکل دهی فضایی کانونی در جهت ساماندهی نیازهای اجتماعی افراد) «همانند سازی و تصویر سازی» (بر اساس ایجاد نظم بصری، از طریق اتصال آسمان و زمین) «هم پیوند بودن بنا و طبیعت» (همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت) «هندسه» (بر اساس تجانس و نیازهای ذاتی) «شفافیت و تداوم» «راز و ابهام» «تعادل موزون/ توازن حساس» 	<ul style="list-style-type: none"> نگاه به درون طراح و در نتیجه درونگرا بودن بنا می‌تواند به عنوان شاخصی برگرفته از زمینه باشد، چرا که درونگرایی بارزهای فرهنگی و گاه اقلیمی است. نحوه اتصال بنا به زمین و آسمان نیز با توجه به ویژگی‌های کالبدی از جمله فرم، مصالح و رنگ می‌تواند به عنوان شاخصی در جهت ارزیابی زمینه‌گرایی تلقی شود. پیوند و یکپارچگی بنا با طبیعت اطرافش همواره در اقلیم‌ها و زمینه‌های مختلف از ویژگی‌هایی است که همواره در معماری ایرانی مورد توجه بوده است؛ بگونه‌ای که این مهم را میتوان به عنوان یکی از شاخص‌های زمینه‌گرایانه معماری ایرانی دانست.
نفره‌کار، حمزه‌زاد و رنجبرکرمانی	<ul style="list-style-type: none"> «توازن و تعادل در خلق بنا» «سیر تکاملی به سمت غایتی واحد» «نهادینه‌کردن فلسفه در صورت و بالعکس» «توجه به اهداف سلسله مراتبی در پروسه شکل‌گیری بنا» (اهداف ساختاری و فنی، کارکردی، زیبایی‌شناسانه، هویت‌ساز) و «لزوم تهذیب نفس معماران و شهرسازان» «عدالت در خلق آثار» «تعامل مکمل با طبیعت» 	<ul style="list-style-type: none"> شاخصه‌هایی چون سلسله مراتب فضایی، مرکزگرایی و توجه به درون بنا، با توجه به اینکه از فرهنگ و باورهای افراد جامعه نشأت گرفته‌اند به عنوان شاخص‌های زمینه‌گرایانه در نظر گرفته می‌شوند. سیر از ظاهر به باطن نیز بر اساس رابطه ای دوسویه از درون به برون و بالعکس، می‌تواند انتقال دهنده مفاهیمی از بستر و زمینه بنا باشد. عدالت در خلق آثار به دلیل توجه به باورهای دینی و مذهبی زمینه و بستر بنا به عنوان اصل زمینه‌گرایانه معرفی می‌گردد. تعامل و هم‌پیوندی با طبیعت، بدلیل اینکه شاخصه ای برگرفته از فرهنگ و اقلیم منطقه و بستر است، می‌توان این شاخصه را نیز به عنوان شاخصه ای زمینه‌گرا تلقی نمود.
محمدکریم پیرنیا	<ul style="list-style-type: none"> درونگرایی مردم‌واری (توجه به مقیاس انسانی) خودبستگی (اتکا به فناوری و مصالح بومی) پرهیز از بیهودگی نیارش (سامانه سازه ای) 	<ul style="list-style-type: none"> هر پنج شاخص درونگرایی، توجه به مقیاس انسانی، بکارگیری مصالح بوم آورد، پرهیز از تجمل‌گرایی و کارهای عبس و بهره‌گیری از سیستم سازه ای مشخص، همگی انتقال دهنده پیام‌هایی برگرفته از بستر و محیط می‌باشند که در این بین، نقش کنش‌های انسانی (فرهنگ) و اقلیم بسیار پررنگ جلوه می‌کند.
لطیف ابوالقاسمی	<ul style="list-style-type: none"> «ساختار سازه ای» «همسازای اقلیمی و توده‌گذاری بنا» «محرمیت و حریم بندی» «بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد» «نظم و ریتم» «بکارگیری هندسه» «متاثر از فرهنگ و فلسفه» «منطق‌سالاری» 	<ul style="list-style-type: none"> ساختار سازه‌ای با توجه به وابسته بودن به اقلیم و فنون ساخت در هر منطقه، می‌تواند جلوه ای از زمینه‌گرایی باشد. همساز بودن با اقلیم بستر و هم‌منظور نحوه توده‌گذاری فضای بی به عین مصداق زمینه‌گرایی است. بهره‌گیری از مصالح بومی منطقه نیز مصداق بارز توجه به بستر طرح می‌باشد. توجه به شاخصه‌هایی که برگرفته از فرهنگ ساکنین منطقه باشد و در کالبد نمود یابند، مصداق عینی توجه به بستر و زمینه است.
نادر اردلان	<ul style="list-style-type: none"> بیش نمادین (بنا و برانگیختن حس عمیق معانی ازلی) انطباق محیطی (رابطه هماهنگ با طبیعت و زمینه اقلیمی) الگوی مثالی باغ بهشت (صورت اصلی حس مکان در معماری) نظام مثبت فضایی (درونگرایی و پیوند سلسله‌مراتبی) مکمل بودن (کیمیای رنگ، ماده و خط) مقیاس انسانی مشارکت اجتماعی نوآوری در فنون ساختمانی 	<ul style="list-style-type: none"> توجه به شاخصه‌ها و ارزشهایی چون: برقراری رابطه بین بنا و طبیعت و اقلیم محیط پیرامون، نگاه به درون، تفکیک فضایی بر اساس اصول اعتقادی و توجه به مقیاس انسانی که همگی برگرفته از باورهای انسانیت، نمونه‌هایی از بارزهای توجه به بستر بنا و زمینه است.

در نهایت با جمع‌بندی شاخص‌های کلی زمینه‌گرایی و شاخصه‌های زمینه معماری سنتی ایران، و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و در بخش مورد پژوهی به بررسی و واکاوی نمونه موردی انتخاب شده (خانه صادقی اردبیل) پرداخته شد.



محدوده مطالعاتی و مورد پژوهی

چنانکه در قسمت‌های نخست نوشتار نیز اشاره شد، شهر اردبیل به عنوان محدوده مکانی پژوهش و عصر قاجاری به عنوان محدوده زمانی پژوهش در نظر گرفته شد. خانه صادقی، تک نمونه مورد بررسی در این تحقیق می‌باشد که به دلایل متعددی چون: تنوع فضایی، وسعت عرصه و اعیان، صلابت و همین‌طور تغییرات اندک در کالبد، جهت واکاوی و بررسی در این تحقیق انتخاب گردید که در ادامه به معرفی این خانه پرداخته خواهد شد. خانه صادقی در محله اوچ دکان شهر اردبیل، کوچه سرتیپ آباد و در قلب بافت تاریخی شهر اردبیل واقع شده است. بنای خانه صادقی در سال ۱۲۸۳.ق مطابق با ۱۲۴۲ خورشیدی ساخته شده است. مجموعه تاریخی صادقی مشتمل بر بخش حسینیه برای تامین نیاز مراودات اجتماعی خانواده، بخش شاه نشین برای تامین نیاز مراودات رسمی و ارتباط با تجار ایرانی و خارجی خانواده، بخش اندرونی محل زندگی خانواده صادقی و خادم نشین، محل زندگی خادمین این خانواده و بخش طویله و اسطبل برای سرویس دهی به این خانواده است (نظری، ۱۳۹۲: ۳۳۰).

در این بخش از نوشتار، خانه صادقی اردبیل که به عنوان نمونه مورد پژوهش انتخاب گردید، با بهره‌گیری از شاخصه‌های مستخرج از مطالعات انجام یافته و با بکارگیری ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی، مشاهدات میدانی و توصیف و تحلیل محتوی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت که نتایج حاصله در قالب جداول ۳ تا ۷ ارائه گردید:

جدول ۳- ارزیابی کیفیات مستقیم معماری و شهرسازی در خانه صادقی اردبیل

ارزیابی شاخص ها در نمونه مورد پژوهش	نمود عینی شاخص های زمینه گرایی در بنای خانه صادقی	شاخص های اصلی زمینه گرایی و زیر شاخص ها
	<p>الهام یا به کارگیری عناصر، خصلت‌ها و الگوهای فرمی، شکلی و کالبدی شاخص معماری و شهرسازی گذشته (در مقیاس شهر یا ملی)</p>	
<p>نمود نسبی شاخص های زمینه گرایی</p>	<ul style="list-style-type: none"> ✓ بهره‌گیری از عنصر اُرسی و شیشه‌های رنگی در تصویر سمت راست قابل مشاهده است که از جمله عناصر گذشته معماری این سرزمین می‌باشند. ✓ بهره‌گیری از انواع طاق‌ها (تیزه دار و چفد کلیل) در جداره‌های درونی و بیرونی. ✗ بهره‌گیری از قوس نیم دایره که فرمی خارجی در معماری ایرانی به حساب می‌آید. ✓ بهره‌گیری از آجر، گچ و سنگ به عنوان مصالح غالب در کالبدنا و تزئینات. ✓ بهره‌گیری از تزئینات رایج در معماری سنتی ایران (انواع تزئینات سنتی آجری، گچی و چوبی؛ تزئینات غالب مقرنس در ورودی‌ها و فضاهای شاخص داخلی و ...). ✓ بکارگیری تنوع در بافت آجری ورودی بنا، با هدف شاخص سازی این جداره و هم‌منظور هماهنگی و تناسب موجود در ارتفاع قسمت ورودی با بافت مجاور، نشان از توجه به زمینه و بستر بنا دارد. ✗ عدم همگونی بهره‌گیری از تزئینات نقاشی در بنا با تزئینات رایج در معماری ایرانی. ✗ بهره‌گیری از عنصر نیم‌ستون و تزئینات آجری در سرستون‌ها به عنوان عنصر جدید و ناآشنا در بنا (این نیم‌ستون‌ها با اینکه در خانه‌های سنتی دیگر اردبیل هم دیده می‌شود ولی شکل سرستون‌های تماماً آجری گونه‌ای رایج و متداول در معماری ایرانی به شمار نمی‌رود). ✓ بهره‌گیری از عنصر سنتی حوض آب و باغچه‌ها و گیاهان در میان‌سرا و حیاط‌های مرکزی. ✓ پوشش و سازه سقف‌ها (پوشش تخت چوبی یا گنبدی و انواع پوشش‌های طاقی). ✓ بهره‌گیری از عنصر طاقچه، رف و ... در فضاهای اتاقها. ✓ بهره‌گیری از تقسیمات فرد (سه‌تایی و هفت‌تایی) در طراحی نماها و به ویژه پنجره‌ها. ✓ بهره‌گیری از خصلت ریتم و ضریب‌بندی در هندسه جداره‌ها. ✓ بهره‌گیری از هندسه «مستطیل»، «هشت» و «نیم‌هشت» در طراحی فضاها. ✓ بهره‌گیری از پله‌ها در کنج حیاط مرکزی به تبعیت از فضاهای خانه ایرانی. 	

الگوها و عناصر شاخص معماری سنتی و تاریخی



الهام یا به کارگیری عناصر،
 خصلت‌ها و الگوهای فضایی
 معماری و شهرسازی گذشته
 (در مقیاس شهر یا ملی)

- ✓ بهره‌گیری از «فضای خالی میانی» و حیاط مرکزی (میان‌سرا) به عنوان سازمان‌دهنده فضایی اصلی.
- ✓ بهره‌گیری از فضاهای مرسوم در معماری ایرانی همچون هشتی ورودی، شاه‌نشین، طنبی و ... غیره.
- ✓ تأکید بر حرکت و تعریف سلسله‌مراتبی و گام به گام ورود از بیرونی‌ترین فضا تا فضاهای داخلی بنا.
- ✓ درون‌گرایی به عنوان ویژگی غالب در طراحی فضایی.
- ✓ بهره‌گیری توأم از خصلت محوریت و مرکزیت در طراحی فضایی.
- ✓ بهره‌مندی از فضاهای عظیم تونشسته جهت تأکید بر امتداد دید و عمق فضایی.
- ✓ تقسیم‌بندی فضاهای خانه به تبعیت از طرح فضایی سنتی معماری ایرانی: اندرونی و بیرونی و خادم‌نشین؛
- ✓ تأکید بر حریم و محرمیت فضایی به عنوان اصل غالب در طراحی فضاهای درونی: تعریف ورودی‌های جداگانه همراه با سلسله مراتب مفصل در دسترسی‌ها و استقرار فضایی ویژه.
- ✓ حضور آب و آبنا در حیاط‌های سه گانه بنای خانه صادقی (مطابق تصویر سمت راست)، نمادی از پاکی و نظافت است، که حاکی از باورهای و اصول اعتقادی ساکنین می باشد.
- ✓ هم‌بطن‌طور وجود تزئیناتی چون مقرنس‌ها، گچبری‌ها و نقاشی‌ها که به منظور "القاء حس تنوع و روحانی" به ساکنین انجام یافته است، نیز برگرفته از تفکرات و اعتقادات زمینه‌ای مردمان آن سرزمین بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی
 پرتال جامع علوم انسانی

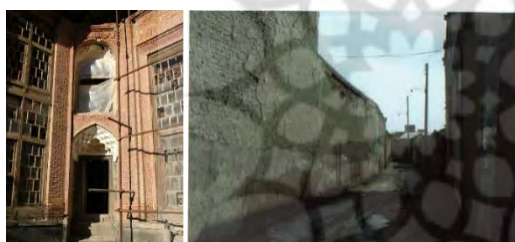
نمود کامل شاخص‌های زمینه‌گرایی



✓ بهره‌گیری از شاخصه‌هایی چون: ابعاد/ریتم/تناسبات/مقیاس در تصویر فوق کاملاً مشهود است که همگی از جمله شاخصه‌های برگرفته از بستر بنا می‌باشند.



✓ بکارگیری نظم و ایجاد ریتم بصری در شکل‌گیری احجام و فرم‌ها قابل مشاهده است.



✓ ترکیب احجام و فرم‌های ساده و پاسخده در برابر ابعاد اقلیمی محیط نیز یکی از ویژگی‌های بکاررفته در بنای خانه صادقیست که این مورد در زوایای مختلفی از بنا قابل مشاهده می‌باشد.

✓ بکارگیری اشکال هندسی در محیط داخل و جداره‌های بنا، که با هدف ایجاد تنوع و سرزندگی فضا شکل گرفته‌اند، همگی برخاسته از ویژگی‌های اعتقادی و ارزشهای انسانیت است که توجه طراح به بستر و زمینه بنا را در ذهن مخاطب پررنگ‌تر می‌کند.

✓ همگونی مصالح مورد استفاده (جنس، رنگ و شکل) در جداره‌های بیرونی (مصالح اصلی و غیرمرمتی) با بناهای تاریخی همجوار و منطقه. چنانکه در تصویر سمت راست (جداره خارجی بنای خانه صادقی) قابل مشاهده است.

✓ هماهنگی و تناسب موجود در ارتفاع قسمت ورودی با بافت مجاور، نشان از توجه به زمینه و بستر بنا دارد.

✓ شکل‌گیری دسترسی‌ها و بخش‌های ورودی در یک شبکه هم‌پیوند با معابر موجود (احترام به زمینه موجود)

✓ روابط فضایی بر اساس نیازهای ذاتی انسانی و باورهای مذهبی - اعتقادی شکل یافته‌اند.

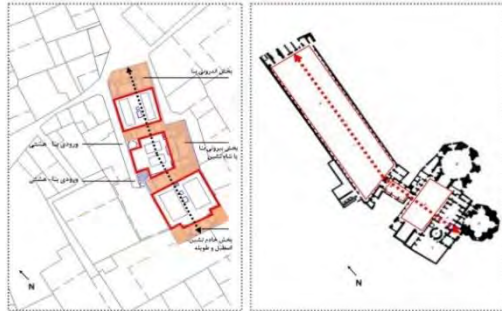
✓ در جهت‌گیری، توده‌گذاری و امتداد بنای خانه صادقی به عوامل متعددی پرداخته شده است؛ از جمله توجه به مباحث اقلیمی، تامین فضایی خالی

- ابعاد
- مقیاس
- تناسبات
- ریتم
- شکل
- هندسه
- فرم
- ترکیب
- رنگ
- مصالح
- دسترسی
- رابطه‌های فضایی
- جهت‌گیری و امتداد قرارگیری و استقرار
- الگوها
- خصوصیات فضایی (نسبت و رابطه توده - تُهی، نور، دید و چشم‌انداز و حرکت و غیره)

کیفیت‌های مادی، کالبدی و فضایی در زمینه موجود

در جهت تعامل افراد خانواده با طبیعت و ایجاد منظر زیبا در نقطه عطف بنا.

✓ تطابق و همگونی بنا از نظر «فرمی» و فضایی با معماری سنتی شهر اردبیل (همانگونه که در تصویر زیر مشاهده می شود، تشابه فرمی فضایی و توده گذاری بین خانه صادقی و مجموعه تاریخی شیخ صفی الدین اردبیلی کاملاً مشهود است/چند حیاطه بودن و جهت توده گذاری در این دو بنا، از



نقاط اشتراکی بین آنهاست که بسیار قابل تأمل است).

✓ شکل گیری بدنه های شهری و فرم پیرامونی بر مبنای الگوی ارگانیک بافت شهری در محل استقرار بنا
 ✓ عدم تضاد و تمایز آشکار فرم بیرونی بنا با بافت و معماری همجوار.
 ✓ تطابق فرم سردر و ورودی با نمونه های موجود در بافت تاریخی شهر اردبیل و یکپارچگی با آنها (مطابق تصویر زیر-تصویر سمت چپ ورودی خانه صادقی و تصاویر سمت راست نمونه هایی از ورودی خانه های تاریخی اردبیل است که مقایسه این تصاویر حکایت از همسو بودن آنها به لحاظ فرمی و کالبدی می باشد).



منبع: نگارندگان

جدول ۴- ارزیابی کیفیات غیرمعمارانه و در ارتباط غیرمستقیم با معماری و شهرسازی در خانه صادقی اردبیل

شاخص های اصلی زمینه گرای و زیر نمود عینی شاخص در بنای خانه صادقی	ارزیابی شاخص ها در خانه صادقی
تابش آفتاب، درجه حرارت، باد، رطوبت، بارندگی و غیره	✓ استقرار مناسب احجام اصلی بنا (محل زندگی اصلی) در بخش های شمالی حیاطها به جهت بهره مندی از نور طبیعی جنوب و دریافت حرارتی بهینه.
شرایط آب های سطحی و زیرزمینی، شرایط و جنس خاک، ناهمواری ها و توپوگرافی، شیب زمین، پوشش گیاهی، عناصر طبیعی تأثیرگذار و غیره	✓ چنانکه در تصاویری از بخش زمستان نشین بنا نیز، ارتفاع کم سقف اتاقها، حاکی از توجه طراح به مباحث اقلیمی است که این موضوع نشان دهنده زمینه گرا بودن این بناست. ✓ استفاده درست و هوشمندانه از آسمانه و سقف «تخت» در اقلیم سرد و خشک شهر اردبیل.

نمود نسبی شاخص های زمینه گرای



- ✓ در نظر گرفتن ارتفاع فضاها با توجه به عملکرد آن و نیز توجه به مسائل اقلیمی (ارتفاع زیاد شانه‌نشین به جهت آنکه محل اصلی زیست در فصل زمستان نیست؛ ارتفاع کم و مناسب بخش‌های زمستان‌نشین برای زودتر گرم شدن آن‌ها).
- ✓ قرارگیری بنا در دل زمین و همگونی آن مطابق توپوگرافی و عوارض طبیعی زمین در بخش‌های مختلف حیاط‌ها (مطابق تصویر برش از بنا شکل زیر).
- ✓ عدم استفاده از بازشوهای عظیم نورگیر برای اتاق‌های بخش زمستان‌نشین و تبادل حرارتی اندک.



- ✓ استفاده از دیوارهای قطور (مصالح آجری با ظرفیت حرارتی بالا) به جهت کاهش تبادل حرارتی و حفظ بیشتر گرما در فضاها.
- ✓ استفاده از کلاف‌های چوبی افقی برای مهار لرزش‌ها در اثر زلزله‌ها.
- ✓ کشیدگی شرقی-غربی و باریک بودن احجام در بخش‌های شمالی به جهت بهره‌مندی بیشتر از آفتاب.
- ✓ کنترل ورود نور شدید به داخل فضای شاه‌نشین از طریق ازسی و شیشه‌های ساده رنگی (بازتابش یا جذب نور غرب).
- ✓ طراحی سلسله‌مراتبی فضاها داخلی و ارتباط غیر مستقیم ورودی فضاها اصلی با محیط بیرون (امکان هدر رفت انرژی پایین‌تر).
- ✓ قرارگیری مناسب بنا در یک بافت فشرده شهری به جهت دوری از بادهای سرد و نامناسب؛ میزان رطوبت پایین هوا و عدم نیاز به احداث بنا در فواصل زیاد با بناهای همجوار.
- ✗ در نظرگیری ابعاد بزرگ برای حیاط‌های مرکزی و عدم اولویت مسائل اقلیمی در طراحی آن‌ها (به دلیل ابعاد وسیع میانسرا و بادهای سرد در این شهر حیاط‌ها عملاً کاربرد چندانی در فصول سرد نخواهند داشت).
- ✗ تعبیه حوض آب با اولویت مسائل فرهنگی و نه اقلیمی. (با توجه به نوع اقلیم غالب «سرد و خشک» شهر اردبیل، در این خانه نقش اقلیمی چندانی نمی‌توان برای حوض‌های آب «سه‌گانه» متصور بود).
- ✗ عدم استفاده از رواق، ایوان یا سایبان به جهت کنترل نور شدید.

- | | |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> ✓ توجه به درون بنا. ✓ پرداختن امورات مربوط به مرد خانواده (حاج ابراهیم صادقی) و تجارت وی و... ساخت فضاهایی مخصوص این امر و در جهت رفع نیازهای اساسی. ✓ توجه به شاخصه‌هایی چون سلسله مراتب دسترسی فضاها عمومی و خصوصی؛ جدایی حریم خصوصی خانواده با حریم عمومی؛ شکل‌گیری فضای باز جهت تعامل افراد خانواده و همینطور ارتباط با طبیعت که از جمله نیازهای انسانی-روانی و معنوی محسوب می‌شود مشهود است. ✓ رنگ خاکی و ساده ی بدنه‌ها و نور سبز معنوی ساطع شده از شیشه‌های رنگی؛ ایجاد حس سادگی و آرامش معنوی در فضاها درونی و بیرونی. | <p>پاسخگویی به نیازهای انسانی (فیزیکی، روانی و معنوی) مرتبط با زمینه مورد نظر</p> |
|---|---|

- | | |
|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> ✓ حفظ حرمت و حریم خانواده یکی از اساسی‌ترین اصول اسلامی بوده که ایرانیان، از دیر باز به این اصول شدیداً پایبند بوده‌اند. در این خانه علی‌رغم اینکه اقلیم به خودی خود بنا را به سمت درون‌گرایی سوق داده، اما با این حال در بررسی روابط فضایی بنای مذکور به تقسیماتی کاملاً سلسله مراتب گرایانه، در جهت حفظ حریم خانواده اندیشیده شده است (شکل ۱). ✓ توجه به «جنسیت» و مردانه- زنانه بودن فضاها، جزئیات درب (کوبه‌ها). ✓ بهره‌گیری از هندسه چلیپایی (فرورفتگی‌های چهارگانه) در شکل‌گیری حیاط مرکزی اصلی با توجه به سنت‌های دیرینه در فرهنگ و معماری ایرانی-اسلامی. ✓ حضور فعال عناصر طبیعی در خانه صادقی (نور، آب، درخت و...) با توجه به نوع فرهنگ و زیست ایرانیان و علاقه‌مندی به طبیعت. | <p>توجه و احترام به الگوهای رفتاری-اجتماعی، فعالیت‌ها و آداب و رسوم در زمینه مورد نظر</p> |
|--|---|

- | | |
|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> ✓ حضور کتیبه‌های آیةالکرسی دورتادور فضاها، حکایت از تأثیرات مذهبی در شکل‌گیری کالبد دارد. ✓ توجه به اصل «سادگی» در خلق بنا مطابق با آموزه‌های اسلامی و دینی. ✓ اصول عملی برگرفته از فرهنگ و احکام مذهبی، نمودیافته در بنای خانه صادقی عبارتند از: حجاب- تعاون- طهارت- قناعت- خدامحوری و اطاعت- تواضع که همگی حکایت از تبعیت از ارزشهای انسانی زمینه دارند. ✓ بهره‌گیری از فضاها خالی و «غیر ملموس» در دل بنا به عنوان نمادی از جلوه خداوند. | <p>توجه و احترام به رویدادها، الگوها و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی در زمینه مورد نظر</p> |
|--|--|

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در فرآیند انجام تحقیق حاضر و در راستای پاسخگویی به سوالات مطرح شده در این پژوهش، نکات قابل توجهی حاصل گشت که در این بخش به تشریح نتایج حاصله پرداخته شد.

آنچه که در جواب به سوال اول تحقیق می‌توان بدان اشاره کرد ابعاد و شاخصه‌های زمینه‌گرایست که بصورت کلی ارائه گردید. علیرغم نظرات گاه‌متفاوت محققین و پژوهشگران، در این پژوهش ابعاد زمینه‌گرایی به دو بخش که شامل: ۱- کیفیات «مستقیم» معماری و شهرسازی ۲- کیفیات «غیرمعمارانه» یا در ارتباط «غیرمستقیم» با معماری و شهرسازی می‌شوند تقسیم گردید که هر کدام از ابعاد زمینه‌گرایی دارای زیر مجموعه‌هاییست که در نمودار شماره ۱ بدان اشاره گردید.

اما آنچه که در بخش دوم تحقیق و پس از شناسایی شاخصه‌های زمینه‌ای معماری سنتی ایران و ارزیابی نمونه موردی براساس شاخصه‌های کلی زمینه‌گرایی و شاخصه‌های زمینه‌ای معماری سنتی ایران حاصل گردید، حاکی از این مطلب است که در فرآیند طراحی و شکل‌گیری خانه صادقی اردبیل، شاخصه‌های زمینه‌ای بستر بنا از زوایا و ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است. بگونه‌ای که بنای مورد پژوهش، همخوانی بسیار بالایی از جنبه‌های چهارگانه (الف: الگوها و عناصر معماری سنتی و تاریخی؛ ب: کیفیت‌های مادی، کالبدی و فضایی در زمینه موجود؛ ج: شرایط طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی؛ د: کیفیت‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی) با بستر خویش دارد و این نکته از این جهت بسیار قابل توجه می‌باشد که بر خلاف نظرات بسیاری از محققین معماری ایرانی، ابنیه شکل گرفته در دوره قاجاری نیز، سیر پیوسته خویش را دنبال نموده و توجه به فرهنگ بومی، اقلیم و دیگر شاخصه‌های زمینه‌ای خود را داراست که با این تفصیل می‌توان نظریه انحطاط و غالبیت تفکر مدرن در شکل‌گیری معماری دوره قاجار را که به نظر غیر صحیح و یکجانبه می‌آید را رد کرد.

منابع

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۹). شهر درخت نیست. ترجمه فرناز فرشاد و شمین گلرخ. تهران: آرمانشهر.
- ابوالقاسمی، لطیف. ۱۳۷۴. معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب‌نظر. آبادی، (۱۹): ۴-۴۵.
- بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظر الگو، ادراک، فرآیند. ت: بهناز امین زاده [تهران]: دانشگاه تهران.
- بهمنی، المیرا و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت سندج با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل‌الملک". فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. زمستان ۱۳۹۵: ۷۰-۵۵، ۲۶.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۰. سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: نشر پژوهنده.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۰) "زمینه‌گرایی در شهرسازی". نشریه هنرهای زیبا. زمستان ۱۳۸۰: ۴۳-۳۵، ۱۰.
- شایان، حمیدرضا (۱۳۸۷). "معماری در زمینه بیگانه، تحلیل نظریه‌ی منطقه‌گرایی تعاملی، در آثار دهه ۶۰ تا ۹۰ معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس". پایان‌نامه دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- شاهی زارع، ساحل؛ اسلام کرمی و مجتبی رفیعیان. (۱۳۹۸). "تجزیه و تحلیل کیفیت سکونت در مجتمع‌های مسکونی شهری از طریق مولفه‌های طمینه‌گرایی". نشریه محیط‌شناسی. پاییز ۱۳۹۸، (۳): ۴۳۶.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، محل نشر: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیا، داراب. ۱۳۷۸. الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران. معماری و فرهنگ. (۱): ۹۷-۱۱۱.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن. ت: خسرو افضلیان. (۱۳۹۵)، مشهد: انتشارات کتابکده کسری.

- گروتز، یورگ. (۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد [تهران]: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری. ت: علیرضاعینی فر [تهران]: نشر دانشگاه تهران.
- لوکوربوزیه. (۱۳۵۴). چگونه به مسائل شهرسازی بیندیشیم. ت: محمد تقی کاتبی. [تهران]: انتشارات امیر کبیر.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه‌شناسی درون‌گرا، تهران: انتشارات سروش دانش.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). "معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها". نشریه هنرهای زیبا. پاییز ۱۳۸۳: ۲۶-۱۷، ۱۹.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه‌نژاد، مهدی و علی محمد رنجبرکرمانی. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- وایت، ادوارد. ت. (۱۳۸۵). مفاهیم پایه در معماری. ترجمه: محمد احمدی نژاد. چاپ ششم [اصفهان]: نشر خاک.
- هاشم پور، پریسا؛ احد نژاد ابراهیمی و ثنا یزدانی. (۱۳۹۷). "کاربست زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی". نشریه معماری و شهرسازی پایدار. بهار و تابستان ۱۳۹۷، (۱): ۱۱۰.
- باران، علی و حسین بهرو. ۱۳۹۶. "تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها". نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی. (۱۵): ۱۰۱.
- Brolin, B.C(1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold
- Capon, David Smith. 1999. Architectural theory. Vol. 2, Le Corbusier`s Legacy, John Wiley & Sons.
- Çizgen, G. 2012. Rethinking the Role of Context and Contextualism in Architecture and Design, Thesis (M.S.), Eastern Mediterranean University, Institute of Graduate Studies and Research, Dept. of Architecture, Famagusta: North Cyprus.
- Gaines, Merrill C. (1980). "Teaching a Contextual Architecture". JAE, Vol. 33, No. 3 (Spring, 1980), pp. 21.
- Geddes, P. (1968). Cities in Evolution. An introduction to the Town Planning Movement and to the Study of Civics. London: Ernest Bern Limited.
- Hillier, B. 1996. Space is the Machine: a Configurational theory of Architecture. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jencks, Charles. 2002. New Paradigm in Architecture (7th ed.). Yale University Press.
- Merriam-Webster. (n.d.). Context. Retrieved from: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/context>.
- Sanghvi, Nikhil. 2017. "Context in Architecture. International Journal on Emerging Technologies". Vol.8(1): 76.
- Porter, Tom(2005), Archispeak an illustrated guide to architectural terms, published in the Taylor & Francis e-Library.
- Rapaport, Amos. 1977. Human Aspects of Urban Form, New York: Program Press.
- Rowe, C. & Koetter, F. (1978). College City. Cambridge: MIT Press.
- Stokots, D. & I. Altman. 1987. Handbook of Environmental Psychology. New York: John Wiley & Sons.
- Steven Hurtt, Contextualism of 6 paradigms, politics and poetry". Inland Architect, sep./oct.1987.
- Thomas Schumacher, "Contextualism: 4 Ueban Ideals and Deformations". Casabella 359-360, 1970.
- Yorgancioglu, Derya. 2004. Steven Holl: A Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture, For the Degree of Master of Architecture, Middle East Technical University, September 2004.